

اریک هرمه لین کیست و چه کرد؟

(۱۹۴۴ - ۱۸۶۰)

بسیار سفر باید تا پخته شود خامی،
صوفی نشود صافی گر درنکشد جامی.
«سعدی»

۱۲۴

این مطلب اگرچه فشرده و کوتاه خواهد آمد، معهذ امید من آن است که بنوبه خود بتواند شمه روشنی از زندگی و کار عظیم مترجم نابغه‌ای که سترگترین و مؤثرترین ترجمه‌ها را از آثار شاعران بزرگ ایرانی در زبان مادری خویش «سوئدی» پدید آورد، بر خواننده آشکار می‌سازد.

او اریک هرمه لین Eric Hermelin، نام دارد. هرمه لین در سال ۱۸۶۰ میلادی در شمال سوئد در یک خانواده اشرفی به دنیا آمد. پس از پایان تحصیلات دانشگاهی خود به سفرهای دور و درازی به غرب و شرق پرداخت. از جمله به آمریکا، انگلستان، هندوستان، آلمان، جامائیکا و استرالیا سفر کرد. داستان اقامت و زندگی او در این کشورها بسی پرفراز و نشیب است. پر اریک لیندال، Per Erik Lindahl، محقق برجسته سوئدی و نویسنده زندگینامه هرمه لین که این داستان را پی گرفته، با احساسی شورانگیز از مهمترین لحظه‌های زندگی هرمه لین پرده برداشته است. او مانند پژوهشگری خستگی‌ناپذیر رو پای هرمه لین را در تمام کشورهایی که به سر برده دنبال کرده، از کارها و ددرسهایی که به خاطر اعتماد به الکل برای خود می‌تراشیده سخن گفته، از کتابهایی که خوانده و زبانهایی که یاد گرفته با کمک از نامه‌های هرمه لین به افراد خانواده‌اش و برعکس، نام و نشان داده است.

هرمه لین دو سال بیشتر در آمریکا بیتوته نکرد. در آنجا برای مدتی کوتاه معلم یک مدرسه محلی بود. اما چیزی که او را در این کشور آزار می‌داد، رنج و موقعیت حقیر سیاهان بود. او طی نامه‌تی در این باره با پدرش سخن می‌گوید و توضیح می‌دهد که، بر خلاف بینش آمریکائی، او

«هرمه‌لین» تمام آفریده‌های خدا را یکی می‌بیند؛ اندیشه‌ای که بتدریج ملکه ذهن و تعیین‌کننده سرنوشت او گردید. هرمه‌لین از آمریکا به انگلیس سفر کرد و با نام جعلی وارد ارتش آن کشور شد و این مقارن سال ۱۸۸۵ می‌باشد. سالی که همراه ارتش استعمارگر راهی هندوستان گردید. سالی که آغاز بلوای هند^(۱) در آن سامان است. اما او به بهانه‌های گوناگون از خدمت ارتش انگلیس طفره می‌رود و بارها به جرم خودداری از حضور در سربازخانه به زندان می‌افتد. او از ارتشی که حامل زور و خشونت به کوچها و خیابانهای هند است می‌گریزد و خود را در دریای انبوه مردم غرقه می‌سازد. در مورد ارتش انگلیس هرمه‌لین در بهترین حالت یک محصل زبان فارسی در آموزشگاه اختصاصی آن برای نظامیان است. موقعیت او در این آموزشگاه چنان عالی و موفقیت‌آمیز است که به زودی هزینه تحصیلی مجانی دریافت می‌دارد. باری در سایه همین آموزشهاست که از افکار صوفیانه تأثیر می‌پذیرد و چشم می‌گشاید، و هدیه تمدن اروپائی یعنی تبعیض نژادی، کیش شخصیت، فرهنگ طبقاتی و استعمار را مشاهده می‌کند.

نخستین مرحله آموزشهای هرمه‌لین در زبان فارسی به سالهای ۱۸۷۸ - ۱۸۸۰، زمانی که در دانشگاه آپسالا، Uppsala، درس حقوق می‌خوانده برمی‌گردد. به روایت اسناد و مدارک موجود هرمه‌لین در این سالها زبان فارسی هم تحصیل می‌کرده است. در آن دوران در دانشگاه آپسالا کرسی و استاد ادبیات فارسی وجود نداشت. اما استاد زبان عربی در آنجا بوده و احتمال می‌رود که هرمه‌لین در جلسات درس استاد عربی دان حاضر می‌شده، یا بطور جداگانه از او زبان و ادبیات فارسی می‌آموخته است.

در آپسالا هرمه‌لین با برادرش در یک اطاق دانشجویی زندگی می‌کرد. تنها بود و تقریباً دوستی نداشت. میان خود و رفقای همکلاسیش فاصله‌ئی احساس می‌کرد. آنها در اندیشه کسب موقعیتی ممتاز در میان طبقات مرفه جامعه بودند، و تفرعن و برتری‌طلبی آنان گریز به انزوا را در هرمه‌لین تقویت می‌کرد.

وقتی زندگی هرمه‌لین را مرور می‌کنیم، او را می‌بینیم که در احساس و اندیشه خود بی‌پناه می‌نماید. یا به زبانی دیگر در احساس و اندیشه خود در جستجوی پناهگاهی است. شاید همین احساس بی‌پناهی است که او را به جانب الکل سوق می‌دهد. پر اریک لیندال که سه کتاب مفصل درباره زندگی و اثرهای هرمه‌لین نوشته است توضیح می‌دهد که هرمه‌لین به خاطر اعتماد به الکل بارها در آستانه مرگ قرار گرفت. نیز بارها به خاطر استعمال الکل در هندوستان - که در خدمت ارتش انگلیس به سر می‌برد - بازداشت و زندانی شده است.

با این حال در هندوستان یک منشی ایرانی هم دارد. وقت خود را با او بیشتر به خواندن شعر فارسی و تمرین زبان می‌گذرانند. هم در رابطه با اوست که برای نخستین بار با کتاب گلستان سعدی آشنا می‌شود. این کتاب حامل نگرش و فلسفه‌ای است با اثر و جاذبه خاص خود. و اریک هرمه‌لین مترجم آینده این کتاب به زبان سوئدی، با توجه به شیوه زندگی و گرایشهای درونی اش آینه‌گردان آن در خویشتن خویش می‌گردد. لیندال از تأثیرپذیری هرمه‌لین از شاعر ایرانی سخنها

دارد. تا آنجا که می‌گوید که، هرمه‌لین حتی نقش آدمهای حکایتهای گلستان سعدی را تقلید می‌کرد. و از این سرنوشت‌گاه در شگفت است و گاه در آن حکمتی نهانی می‌بیند. عبارت زیر نظر لیندال را دربارهٔ سعدی و عشق بزرگ هرمه‌لین نسبت به او بازمی‌گوید:

«هرمه‌لین در ۳۰ سالگی با گلستان سعدی - انجیل صوفیان - آشنا گردید. سعدی هنرمند زندگانی بود. با وجههٔ انسانی و غیرانسانی آن آشنا بود. هرمه‌لین در وجود سعدی نه یک پیامبر اخلاق و زاهدی خشک‌اندیش، که مردی یافت که در دنیائی جنون‌زده با بزرگ‌منشی و هوشیاری تمام نیروی خویش را صرف ادامهٔ حیاتِ هنر کرد. او همچنین تصویرگر چهرهٔ مادی شخصیت ایرانی بود. گلستان یکی از بزرگترین آثار ماکیاولیستی در زبان فارسی ارزیابی گردیده است. در کتابخانهٔ هرمه‌لین هشت چاپ مختلف از گلستان یافت می‌شود.»

لیندال در کتابهای خود دلایل گرایش هرمه‌لین به مذهب و تفکر صوفیانه را تحلیل کرده، و خوانندهٔ بیوگرافی، این گرایش را درونی و طبیعی هرمه‌لین می‌یابد. واقعیت این است که «هرمه‌لین» هستی خود را در شعر صوفیان پارسی‌گویی کشف کرد. آنقدر از شیوهٔ زندگانی صوفیانه تأثیر می‌پذیرد، یا آنقدر در درون خویشتن خویش صوفی مسلک است که، زندگانی‌اش زندگانی صوفیان قدیم ایرانی را به یاد می‌آورد. او را مانند پارسایان یا صوفیان مشرق‌زمین مردی وارسته، مهربان و نیز بی‌اعتنا به کار جهان می‌یابیم.

هرمه‌لین در سال ۱۸۹۱ هندوستان را به قصد انگلیس ترک کرد. اما به زودی به جامائیکا رفت و سپس به استرالیا. و بعد از دوازده سال دوباره به انگلستان بازگشت. دورهٔ آخر اقامت او در انگلیس پنج سال است. در این سالها اعتماد به الکل او را از پای درمی‌آورد. چنانکه هنگامی که در سال ۱۹۰۸ به سوئد فرستاده می‌شود توان و ارادهٔ تصمیم‌گیری از او سلب شده است. موضوعی که باعث شد برادرانش او را به بهانهٔ ابتلاء به بیماری روانی تا آخر عمر در بیمارستان بستری گردانند.

شگفتا مردی که در زیباترین سالهای عمر خود خانه بردوش و مسافر بود، هنگامی که بر آن شد و توانست که سرنوشت تاریخی خود را در بستر یک جریان عظیم فرهنگی پی‌ریزی کند، در خانه‌ای عاریتی محبوس بود. در این خانه «بیمارستان کاترینا» واقع در شهر لوند «Lund» است که مترجم آثار کلاسیک فارسی به زبان سوئدی را درمی‌یابیم. سال، سال ۱۹۰۹ است. هرمه‌لین قرار است، سی و پنج سال در این خانه زندگی کند، «در یک بخش خصوصی»، در این مکان غیرطبیعی قرار ندارد. و تا سال ۱۹۱۶ که سال چاپ بوستان سعدی اولین ترجمه او است، بارها از بیمارستان فرار می‌کند، اما مجدداً دستگیر و به معبد سرنوشت تاریخی خود بازگردانده می‌شود.

به روایت لیندال، هرمه‌لین از بنیه‌ئی قوی و حوصلهٔ بی‌کرانی برخوردار بود. کار ترجمه را از نخستین لحظات سپیده‌دمان آغاز و تا پاسی از شب ادامه می‌داد. معروف است که شب‌هنگام پیش از خواب در پشت پنجره برای گنجشکان خُرده‌نان می‌گذاشت. آنها همیشه ساعت ۳ صبح

می‌آمدند و هرمه‌لین از سروصدای شان بیدار می‌شد.

ترجمه سوئدی بوستان سعدی وقتی به صورت دستنوشته به ناشری در شهر لوند نشان داده شد، موجب تعجب ناشر گردید. به هر حال این اثر برای اولین بار در سوئد با مخارج خانواده هرمه‌لین چاپ شد، در «۴۰۰ جلد» و در همان ماه‌های نخست نایاب و به زودی به چاپ دوم رسید.

ترجمه این اثر و دیگر آثار کلاسیک ایرانی مانند تذکرة الاولیاء عطار، مثنوی مولوی، رباعیات خیام، شاهنامه فردوسی، گلشن راز شیخ محمود شبستری، خمسه نظامی، برگزیده‌نی از کلیله و دمنه، ۶۰ دوییتی از باباطاهر عریان، یوسف و زلیخا اثر جامی و برگزیده اشعار فارسی (۲) که در همان سال‌های اقامت مترجم در تیمارستان «۱۹۴۴ - ۱۹۰۹» یکی پس از دیگری به زیور چاپ آراسته می‌شدند، از زیباترین و تأثیرگذارترین ترجمه‌هایی است که در زبان سوئدی پدید آمده است.

لیندال، هرمه‌لین را نویسنده‌نی برای نویسندگان لقب داده است. چرا که ترجمه‌های هرمه‌لین بسیاری از نویسندگان و شاعران دههٔ چهل سوئد را تحت تأثیر قرار داد. از آن میان است: یلمار گول‌بری Hjalmar Gullberg که تأثیرپذیری او را از شعر و طرز فکر شاعران ایرانی می‌توان در یکی از کتابهایش «بوستان معرفت» که عنوانی است عاریتی از برگزیده اشعار فارسی «Persiska dikter» ترجمه هرمه‌لین ردیابی کرد.

گونار اکه‌لوف Gunnar Ekelöf که مستقیماً تحت تأثیر ادبیات عرب و ترک و ایرانی بود. و نیز شیفتهٔ ابن عربی ۱۲۴۰ - ۱۱۶۰ فیلسوف معروف عرب بوده است. همو ترجمه هرمه‌لین از مثنوی معنوی مولانا را آفرینشی دوباره در زبان سوئدی تلقی می‌کند.

کارل ون‌بری Karl Venberg در یکی از کتابهایش «وجدان من» مقاله‌ای به نام «نظامی شاعر مشهور جهانی در باکو» دارد. ون‌بری طی آن از ارزش خمسه نظامی و اریک هرمه‌لین و از سفرش به باکو و دیدارش از موزه نظامی گنجوی در آن شهر سخن می‌گوید. «در نقشه‌نی که به دیوار موزه نصب شده بود، تصویر دهها پرچم از دهها کشور مختلف به نشانه ترجمه اثر نظامی به زبان آن کشورها دیده می‌شد. حیقم آمد که، نامه‌ای خطاب به مسئولین موزه ننویسم و از ترجمه بی‌مانند اریک هرمه‌لین از خمسه نظامی به سوئدی یاد نکنم.»

عظمت کار هرمه‌لین وقتی بیشتر آشکار می‌شود که دریابیم که، او به تنهایی محصول پنج قرن ادبیات فارسی - از پایان قرن نهم میلادی تا قرن چهاردهم - یعنی از باباطاهر تا عبدالرحمن جامی را به فرهنگ سوئدی انتقال داده است.

در پایان می‌خواهم باز هم از پر اریک لیندال عبارتی نقل کنم. این عبارت مجمل‌ترین عبارتها دربارهٔ ادبیات کهن ایرانی است. نوشتم کهن که ذهن خواننده را به راز هنوز نو بودن آن و تأثیرش بر جوامع نو و مدرن رجعت دهم. و دریفاً اگر ما متوجه عصاره‌های تاریخی فکریهای ظاهراً منحصر به فرد جوامع مدرن نباشیم. آخر چگونه است که کهنه بر نو اثر می‌کند. و ما در درک

و دریافت این «نو» حیران می‌مانیم. یا در رودروئی با آن احساس حقارت می‌کنیم. آیا نه به این خاطر که هنوز «کهنه» خود را نشناخته‌ایم و نمی‌دانیم که چه جوانه‌های نوینی می‌تواند از درون آن شکوفا گردد؟

به هر حال آن عبارت، عجیب‌ترین عبارت یک آشنای ادبیات کلاسیک فارسی – پرایک لیندال – چنین است:

«در تاریخ ادبیات ایران قرن دوازدهم میلادی از پربارترین دوره‌های شکوفائی ادبی می‌باشد. در این دوران پس از عطار نیشابوری، مولوی سر بلند می‌کند و از پی او نیز سعدی پدید می‌آید. این حادثه در تاریخ ادبیات جهان به این مانند است که «شکسپیر» و «گوته» معاصر «دانته» باشند و آثار این هر سه در سراسر اروپا مشهور خاص و عام گردد. اما زمانی که سرایندهٔ مثنوی معنوی با جهان بدرود می‌گوید، «دانته» کودکی هشت‌ساله است. و تا تولد «شکسپیر» اروپا باید دو قرن انتظار بکشد، و دو قرن دیگر از پی آن تا «گوته» ستایشگر حافظ شیراز در وجود آید.»

۱ – شورش بزرگی که مردم هندوستان در قرن نوزدهم علیه استعمارگران انگلیسی به راه انداختند و سرانجام وسیله ارتش انگلیس و مزدوران بومی آنان سرکوب شد.
۲ – گردآورنده حسین آزاد تبریزی، چاپ هند.

۱۲۸

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

منابع:

- ۱ – من می‌توانم سوناتهای بنه‌وین را زمزمه کنم، ۱۹۸۲
- Jag kan hvissla Beethovens Sonater.
Per Erik Lindahl, اثر پرایک لیندال، ۱۸۶۰ – ۱۹۰۹، بخش ۱، ۱۹۰۹ – ۱۸۶۰، اثر پرایک لیندال،
۲ – وقتی که آدمی سرگردان بوده است، ۱۹۸۵
- När man varit vagabond
Per Erik Lindahl, اثر پرایک لیندال، ۱۹۰۹ – ۱۹۲۸، بخش ۲، ۱۹۲۸ – ۱۹۰۹، اثر پرایک لیندال،
۳ – مارپیچ دلشوره، ۱۹۷۶
- Ängest – Hjulets svängningar
Per Erik Lindahl, اثر پرایک لیندال، ۱۹۰۹ – ۱۹۲۸، بخش ۲، ۱۹۲۸ – ۱۹۰۹، اثر پرایک لیندال،
۴ – آنتولوژی فارسی Persiska Antologi، مجموعهٔ اشعار، اریک هرمه‌لین، برگزیدهٔ کارل یوران اکروالد
Carl – Göran Ekerwald